

پیشینه تاریخی شطرنج

تقلم

مجید کجائی

شطرنج يك بازی یا هنر
ویژه ایرانی است در کتابهای
کوناگون بزبانهای پراکنده
داستانهایی در باره پیدایش آن
نوشته اند که بنیاد و پایه
درستی ندارد و این نوشته ها
بسیار آشفته و اغراق آمیز و
آمیخته با افسانه میباشد.

نگارنده از سالها پیش بر
آن شدم تا در باره پیدایش شطرنج
بررسی نوینی نمایم اگر این
شناسائی چون گذشته تنها بر
نقل روایات و گفته ها و داستانهای
افسانه آمیز بود که سالها از نزد
همگان میباشد این پژوهش نیز
بجایی نمیرسید و از آنچه در
در متن کتابهای فارسی و عربی
آمده و نوشته هایی که اروپائیان

از آنها اقتباس کرده اند گاهی فراتر نخواهیم نهاد. ناچار روش تازه ای اتخاذ کرده برای تحقیق در این بار سفری بسرزمین هند و پاکستان نموده و در آنجا با جستارهای تاریخی در ایران و هندوستان و پاکستان بیاری زبان شناسی که امروز خود یکی از ارکان تاریخ است بآگاهی های نوینی رهنمونی یافت امید است این پژوهش با توجه بداستانها و روایات گذشته اگرچه غالب آنها نادرست و ساختگی است منشاء تاریخی شطرنج از پرده ابهام بیرون آمده و بدیده پژوهندگان روشن گردد.

شطرنج چیست ؟

شطرنج يك واژه معرب فارسی است^۱
در ریشه و معنی شطرنج نوشته اند شاید شطرنج از شاه ترنج، شاه ترنگ، شهرنگ، چترنگ، شترنگ، دسترنک، سدرنگ شترنگ^۲، شترلرنگ، شیدرنک، هفترنک، ششرنک، چتررنک^۳ یا شطرنک^۴ و مانند آن باشد جزء دوم را برخی رنگ و برخی دیگر رنج^۵ ضبط کرده اند.
و برخی فرهنگها ریشه شطرنج را بفارسی شترنج نوشته اند و گفته اند شترنج بیارسی غله و حبوباتی است که درهم شده باشد و نان و آش شترنجی نان و آشی باشد که از دانه های مختلف درهم شده باشد چنانکه اوحدی مراغه ای گوید :

سفره چرخ و نان شترنجی چیست تا بر سباط او گنجی^۶

- ۱- شطرنج معرب شترنگ فارسی است یا هفت رنگ المنجد. کتاب واژه های فارسی در زبان عرب نوشته آقای محمد علی امام شوشتری زیر واژه شطرنج
- ۲- نشت مغف شتل است و پولی باشد که در پایان قمار دستخوش دهند شیخ آذری گوید: بهوش باش که گردون شتل پرست دغا ست

- ۳- چتر بمعنی پرده است.
- ۴- شط بمعنی دریا
- ۵- رنج بمعنی اندیشه و فکر
- ۶- یا گنجی

باین معنی در فرهنگ انجمن آرای ناصری نیز اشاره شده است.
 در برهان قاطع زیر واژه شترنگ آمده است که :
 «شترنگ باکاف فارسی بروزن و معنی شترنج است و آن بازه‌یی باشد
 مشهور و... و شطرنج معرب آن باشد».

در فرهنگ ستنگاس^۷ آمده است که شطرنج از شترنگ مشتق شده
 است برخی دیگر نوشته‌اند شطرنج معرب سترنگ است و سترنگ
 مهر گیاه باشد گیاهی که نروماده دارد و گویند هر کس آنرا بر کند
 در دم بمیرد از یمنو چون میخواستند ریشه آن بکنند ریسمانی بر ریشه
 گیاه بسته و سر آنرا بگردن سکی می‌بستند تا بارانندن سک گیاه ریشه کن
 شود از اینرو این گیاه راسک کن نیز گفته‌اند در فارس و هندوستان این گیاه
 دیده شده است.

سنائی درباره نام سترنگ گوید :

ککش از سوی چین کند آهنگ اهل چین را ندانی از سترنگ
 در ضبط واژه شطرنج فیروز آبادی صاحب قاموس و صاحب بهار المعجم
 هر دو گویند شطرنج با سکون شین است و هرگز مفتوح نباشد علت آنکه
 زبرهای اول واژه‌های فارسی وقتی بزبان عرب رود زیر میشود.
 فیروز آبادی شطرنج را ، خود از شطارق دانسته و بی شک اشتباه کرده
 است زیرا در زبان عرب نامی که معرب شود مآخذ اشتقاق ندارد.
 صاحب معجم البحرین نیز شطرنج را مأخوذ از شطاره دانسته است^۸
 و او نیز مانند فیروز آبادی خواسته است اشتقاقی بر آن بیابد؛
 «در کتابهای لغت و غیره آمده است که شطرنج معرب شترنگ است»^۹

۷- Stengas

۸- الشطرنج لعبة معروفة اخذ من الشطاده

۹- شاهد صادق

اسدی طوسی در لغت فرس زیرواژه شترنگ^{۱۰} این بیت شاهد آورده :
 تاج از بیست و چهارش نبود خانه نزد همچو درسی و او خانه است اساس شترنگ
 صاحب بهار المعجم نوشته که شطرنج معرب چترانگ است که لفظ
 هندی است و چتر بمعنی چهار و انگ بمعنی عضو است و علت آنست که برای
 شاه و وزیر چهار رکن دارد که فیل و اسب و پیاده و رخ باشد و همو شطرنج
 را معرب شد رنج بمعنی رفت رنج دانسته یا معرب صدرنگ فارسی همچنین
 نوشته اند چترنج یا چترنگ بفارسی یعنی زاده انگ یا رنگ چنانکه منوچهر
 منوچتر یعنی منوزاد و مینوزاد بمعنی بهشت زاد است و این تعبیر با چتورانگ
 فرق دارد .

در برهان قاطع چتر (بفتح اول) بمعنی پرده آمده و در پهلوی چاتور^{۱۱}
 بمعنی چادر که بروی چیزها پوشند و انگ جزء دوم بمعنی عضو است
 بنا بر این ممکنست چترانگ بوده بمعنی چیزیکه اجزاء آن از پرده ها درست
 شده یا چتورنگ بمعنی پرده های بازی یا رنگین یا چترنگ بمعنی چهار
 پرده و چهارخانه .

گروهی دیگر نوشته اند شطرنج ممکنست معرب شهرنگ باشد و شهرنگ
 بمعنی بازی شاه یا شاه بازی است قمار را بفارسی نیز رنگ و منک هم گفته اند
 و منکیا گز بمعنی قمار باز باشد سوزنی سمرقندی گوید:
 دنیا قمارخانه دیواست و اندرو مامنکیا کران و اجل نقش بین منک

شطرنج در داستانهای ایرانی

۱ - داستانی کهن - گفته اند کهنترین اثری که درباره شطرنج درست است
 نامه ای است بنام: گزارش شطرنج و نرد^{۱۲} یا ماتیکان^{۱۳} چترنگ این کتاب

۱۰ - چاپ تهران صفحه ۴۰۳

۱۱ - Catur

۱۲ - و چهارش چترنگ و نهش ی نیو ارتخشیر یزبان پهلوی ساسانی

۱۳ - ماتیکان نیز نوشته اند.

متن کوچکی است در ۸۲۰ واژه به پهلوی ساسانی که از دوران انوشیروان ساسانی داستانی نقل شده است و شاید در آن زمان نوشته شده باشد خلاصه داستان آنکه پادشاه هند دیورسرم هدایائی از زروسیم و گوهرهای گرانبها و شطرنج بایکی از دانشمندان هند (هندوگان) بدربار خسرو انوشیروان میفرستد و میگوید اگر دانشمندان ایران گزارش آنرا گفتند ما شما را به شاهنشاهی میپذیریم و باج و ساو میدهیم و گرنه نخواهیم پذیرفت.

پس از سه روز اندیشه بزرگمهر راه و چاره آن بازی را درمییابد و با آن دانشمند پنج دست (داو) بازی میکند و بازی را میبرد؛ نوشته اند مهره های آبی شطرنج از زرویا قوت سرخ بوده.

پس از چند روز شاه از بزرگمهر می پرسد آنچه گفتی خود می سازی چیست؟ او نرد را می آورد و بهند می فرستد و آنان پس از چهل روز اندیشه نمیتوانند راه و روش آن بازی را دریابند آنگاه دانستند که ایرانیان از همه مردم برترند از دادن باز و ساو ناگزیر می گردند.

در پایان این داستان دستورهایی برای پیروزی در شطرنج و نرد میدهد.



درستی این داستان از چند جهت قابل پذیر است

نخست آنکه نام هند که در این داستان هندوگان برده شده نام پیشین سرزمین خوزستان بوده است که هنوز در آن سرزمین نامهایی همانند آن هست و از سده چهارم هجری بعد این نام بر سرزمین کنونی هند نهاده شد^{۱۴}

دیگر آنکه پادشاه و شاهی که با جگزار نوشیروان گشته یکی از کشور های شاهنشاهی ساسانی بوده است و میدانیم که در زمان نوشیروان مرز طبیعی شرقی ایران تا دره مهران (سند) بوده است و چنان شاهی که نام برده شده در هند کنونی نبوده است.

سه دیگر آنکه چون حرکات مهره های شطرنج قراردادی است هر چه

۱۴- در باره هند تحقیق جداگانه ای شده است کتاب نقوی بر تاریخ ایران و جهان نگارش نگارنده دیده شود.

بزرگمهر با هوش و درایت باشد هرگز امکان ندارد آن را پیش خود بهوشمندی دریابد و برای نخستین بار بر حریف پیروز شود از این رو دانسته میشود که داستانی بیش نبوده و حقیقت نیست.

چهارم آنکه در برخی کتابها و داستانهای دیگر که پیش از زمان نوشیروان است بوجود شطرنج و نرد در ایران اشاره شده است.

۲- داستان شطرنج در شاهنامه فردوسی

فردوسی در شاهنامه میگوید بازی شطرنج را برای مادر طلحند پادشاه هند درست کردند:

همی کرد مادر ببازی نگاه	پراز خون دل از درد طلحند شاه
نشسته شب و روز پر درد چشم	بشطرنج بازی نهاده دو چشم
همه کام و رایش بشطرنج بود	زطلحند جانش پر از رنج بود
همیشه همی ریخت خونین سرشک	بر آن درد شطرنج بودش پزشک

سپس فردوسی داستان آوردن شطرنج را وسیله رأی هند بنزد انوشیروان به ارمغان از همین داستان گرفته و گوید:

بیآورد پس نامه ای پرپرند	نوشته بنوشیروان رأی هند
یکی تخت شطرنج کرده برنج	تهی کرده از رنج شطرنج گنج

سپس **بزرگمهر** برای پی بردن به راز شطرنج به اندیشه می پردازد:

پیآورد شطرنج بوذرجمهر	پر اندیشه بنشست و بگشاد چهر
همی جست بازی چپ و دست راست	همی راند تاجای هر یک کجاست
بیکروز و یکشب چو بازی بیافت	ازیوان بر شاه ایران شتافت

و بشارت داد که راز آن را دریافته و ببازی پرداخت:

چو بوذرجمهر آن سپه را براند	همه انجمن در شکفتی بماند
غمی شد فرستاده هند سخت	بماند اندر آن مرد بیدار بخت
که این تخت شطرنج هرگز ندید	نه از کار دانسان هندی شنید

این داستان موجب شده است که گفته شود شطرنج از هند آمده است. اگر منظور از هند هندوستان کنونی باشد و شطرنج از آنجا آمده باشد شایسته است شطرنج در هندوستان پیشینه بیشتری داشته باشد و در زبانهای هندی مانند سانسکریت، یالی، هندی، بنگالی، گجراتی و مانند آن اصطلاحات شطرنج از دیر باز وجود داشته باشد.

۳ - شطرنج در شاهنامه ثعالبی

از آنچه درباره شطرنج در شاهنامه ثعالبی آمده است نیز معلوم میشود که مأخذ شاهنامه فردوسی و ثعالبی یکی بوده یا فردوسی از ثعالبی اقتباس نموده زیرا مطالب همانند است اینک نوشته شاهنامه ثعالبی:

«چون عموم سلاطین مطیع نوشیروان بودند و علاوه بر خراجگذاری تحف و هدایای بسیار برای او میفرستادند هندوستان هم علاوه بر هدایای گرانبها، بسیار که برای او فرستاده بود یکدست اسباب بازی شطرنج هم بخدمت او تقدیم داشته سفیر خود را گفته بود باو بگوید: که اگر معنی آن را فهمیدی و به «استخراج آن موفق شدی من خراج سالیانه کشورم را برای تو می فرستم ولی» چنانچه بجل آن موفق نگشتی من خراجی بتو مدیون نیستم. انوشیروان که «میدانست فقط بودز جمهر قادر بفهم آنست امر کرد که بجل آن بکوشد» بودز جمهر پس از فکر و دقت بسیار بر موزون نقش مهره آن در محاربه با دیگری «واقف گشته گفت این بازی از نظر جنگ ساخته شده بمهره اصلی سمت شاه، داده اند و آنکه بعد از دست و پزیر و بمهره های بزرگ عنوان رؤسای قشون برای انجام کارهای مهم و پیاده هاست سمت سربازی داده اند، و حرکت آنها مقابله میدان «جنگ را معجم میسازد. فرستاده پادشاه هندوستان از فطانت او متعجب شد» و از طرف مولای خود متعهد گردید که خراج را بپردازد.»^{۱۵}

۱۵ - نقل از شاهنامه معروف به شاهنامه ابومنصور ثعالبی ترجمه آقای محمود هدایت چاپ

شطرنج

در داستان های هندی

داستان بانا^{۱۶} - قدیمترین اثر هندی که نام شطرنج در آن برده شده است در داستان بانا است که بزبان سانسکریت در حدود زمان خسرو پرویز پدید آمده من در این زمینه بابسیاری از دانشمندان هندی سانسکریت شناس مانند کتر دینشاه پارسی در بمبئی دکتر اقاوان^{۱۷} در مدرس استاد داند کر^{۱۸} دکتر حسن عابدی در دهلی نو و دکتر تارا چند سفیر پیشین هند در ایران و جمشید کاتراک در بمبئی گفتگو و مکاتبه کرده ام درباره شطرنج داستانی پیش از بانا در هندی شناسند که از سده ششم میلادی است بنابراین داستان شطرنج آنچه درست است در هند از ایران متأخر تر است.



کسانی که داستان آوردن شطرنج را از هند خوانده و شنیده و بازگو کرده اند کوشیده اند پیشینه و ریشه شطرنج را در زبان سانسکریت که زبان باستانی هند است جستجو کنند.

اما چنانکه گفته شد نام شطرنج در ادبیات سانسکریت نخستین بار در این اثر برده شده در این داستان نام شطرنج «شتورنگا» برده شده که گفته اند : «اشاره بدو جناح قشون هندی نماید»^{۱۹}

چون این تعبیر درست نبوده است سپس عقیده دیگری پیدا شده که ریشه شطرنج در زبان سانسکریت از واژه چاتورانگا^{۲۰} یا چتورنگ^{۲۱} سانسکریت پیدا شده است که به معنی هفت رنگ یا هفت عضو است.

۱۶ - Bana از ۶۲۵ میلادی

۱۷ - Mr. Raghavan

۱۸ - Mr. R. N. Dandekar

۱۹ - کتاب سرزمین هند نگارش آقای علی اصغر حکمت

۲۱ - Chatur - Anga (باتعریف چ وفتح آخر)

۲۲ - Chaturanga ادفع طسه یا Shatrang یا Chatrang

چون زبانهای آریائی مانند فارسی و هندی یا پهلوی و سانسکریت از یک ریشه هستند با سانی میتوان ریشه‌های نزدیک برای آنها یافت ازینرو گفته‌اند مقصود از چاتورانگا یا چتورنگ چهار رنگ یا چهار عضو^{۲۲} فارسی است و آن ارتشی باشد که چهار ستون یا چهار ستاد داشته باشد و گفته شده این معنی بدان سبب است که سپاهیان هند در گذشته از چهار ستون: پیادگان، سواران، پیلها و گردونه‌ها درست شده بود آشکار است که این تعبیرها تازه است و از چند جهت درست نیست :

یکی آنکه از نظر زبان‌شناسی واژه شطرنج نمیتواند از ریشه سانسکریت بدین شکل تحول یافته باشد ازینرو زبان دانان توجه کرده ریشه دیگری در سانسکریت برای آن یافته‌اند که واژه شترونجایا^{۲۳} باشد که بسانسکریت بمعنی پیروز شونده بر دشمن باشد و باز کافی نبوده گفته‌اند شطرنج از نام شاتراش کسی که مخترع آن بوده به هندی یا ایرانی گرفته شده است :

این داستان چنان می‌ماند که از داستان ایرانی ماتیگان شطرنج گرفته شده باشد وانگهی میدانیم که در آئین برهمنی و هند و جنگ نکوهیده و حرام است و هندیان بجنگ و فتون آن رغبتی ندارند . بهنگامیکه کشور آنها مورد تجاوز انگلیسها قرار گرفت تنها مسلمانان بودند که سالها از هند دفاع کردند نه هندیان ازینرو وقتی مردمی از جنگ روگردان باشند و آنرا نکوهیده دانند چگونه بازی شطرنج را که ورزشی فکری برای جنگ آوری و جنگ آزمائی است درست خواهند کرد و بدان رغبت میکنند ؟ ...

۴ - داستان راوانا

چون توجه شده است که هندوان به جنگ رغبتی ندارند و آنرا حرام میدانند ازینرو با اندیشه سازندگی شطرنج جور نمی‌آمده این داستان را

۲۲ - انگ بسانسکریت عضو و اندام یا عنصر باشد

۲۳ - Shatrungha

سر ویلیام جونز خاورشناس انگلیسی بنیادگذار انجمن آسیائی بنگال^{۲۴} از قول پاندیتی^{۲۵} چنین نقل میکند.

«در کتابهای قدیم حقوقی هندوان نامی از شطرنج بمیان آمده است و مخترع آن زن راوانا^{۲۶} پادشاه سرانندیپ^{۲۷} معرفی شده که در هنگام حمله «راما» به پایتخت سرانندیپ همسرش «راوانا» را بوسیله آن سرگرم نگذاشته است. این روایت میخواید قدمت شطرنج را بایک نقل قول به چهار تا پنج هزار سال پیش برساند ولی معلوم نیست که این روایت تاجه انداز جنبه تاریخی داشته باشد.

این داستان را **عبدالعزیز المظفر** نویسنده عرب چنین نقل میکند:

«راوانا^{۲۸} پادشاه کانکا^{۲۹} در ۳۸۰۰ پیش از میلاد مسیح دلبستگی «بسیار به جنگ داشت. زن او **ماندا داری**^{۳۰} میخواست از بسیاری محبت «بشوهرکاری کند که از دلبستگی او بجنگ بکاهد ازینرو بساختن بازی «مخصوصی که دوراه سپاهیان را در برابر هم نشان دهد پرداخت تا پادشاه «بآن بازی سرگرم شود و نیز گفته اند «ماندا داری» گروهی از دانشمندان را «بساختن این بازی واداشت و نام «شاتران» جای بر آن نهاد و گفته اند معنی «شاتران» در زبان سانسکریت دشمن و معنی «جای» پیروزشونده میباشد که شاتران «جای بمعنی پیروزشونده بردشمن باشد و پادشاه «روان یا راوانا برراما^{۳۱} «پیروز گشت».

۲۴ - در مقاله ای که در حدود سالهای ۸۹ تا ۱۷۸۳ در دفتر دوم تحقیقات آسیائی نقل از پاندیتی آمده

۲۵ - Pandit روحانی هندو

۲۶ - Ravana

۲۷ - نام سرانندیپ نیز یک نام فارسی است از دو جزء سروانندیپ بمعنی جزیره نام فرنگی آن سیلان و نام هندی آن لانکا است.

۲۸ - Ravan

۲۹ - لانکا یا لانکا نام هندی سرانندیپ

۳۰ - Mandadhari

۳۱ - Rama

این داستان را بلاقی چنین نقل میکند :

«پادشاهی بعلتی از اسب سواری محروم گشت روزی به حکیمان مشاوران»
 «خود گفت چاره‌ای بیاندیشید تا بتواند بی سواری اسب و یاری اسلحه و جنگ»
 «و ستیزد برابر صفوف دشمن زور آزمائی کند.»

«حکیمی بنام لجلج بخانه رفت و بساط شطرنج به همراه خویش آورد و»
 «روش بازی کردن آن پادشاه آموخت پادشاه خرسند گشت و به حکیم انعاماتی»
 «داد و بقیه زندگانی اش را با شطرنج خوش بگذرانید.»

« پس از درگذشت وی ملکه بیوه اش که باردار بود زمام امور کشور در دست گرفت پس از چندی پسری آورد و او را شاه بخت نامید شاه بخت زیر تربیت آموزگاران شایسته بزرگ شد و جای پدر بگرفت جنگها کرد و پیروز شد ولی در میدان کارزاری که با حریفی زورمند روبرو بود جان خود را از دست بداد کسی از میان سرداران و همراهان یارای آن نداشت که از سرنوشت شاه بخت مادر را آگاه سازد و مادر بسبب نا آگاهی از پسر آرامش و تاب و توان نداشت.»

«روزی حکیمی فرزانه نزد ملکه بیوه باریافت او را در اندوه بسیار دید انگیزه چنین حالی از وی پرسید او نگرانی خویش به حکیم گفت حکیم وی را دلداری داد و از مرد سرخنی گفت تا از شطرنج سخن بمیان آمد و ملکه را بدان متمایل ساخت و روش بازی بوی بیاموخت ملکه شطرنج را نیک یاد گرفت و در آن بازی ورزیده گشت و بیشتر اوقات بدان اشتغال یافت.

روزی ملکه با حکیمی که با او شطرنج آموخته بود سرگرم بازی شطرنج بود حکیم می باخت و غلبه با ملکه بود که یکبار از دهان ملکه «شاه بخت» شنیده شد حکیم بازی را همان جا توقف ساخت و بملکه گفت چنین است سرنوشتی که پسر تان در میدان جنگ با آن روبرو شده است و بدین ترتیب خبر شکست و درگذشت پسرش را بوی داد از آن پس بازی شطرنج در هندوستان متداول گشت.»

چنانکه دیده میشود این داستان بچند جور گفته شده و داستان بالا کر چه يك داستان هندی است اما نام شاه و از چگونگی جنگ و اصطلاح و شاه مات معلوم میشود که يك داستان ایرانی است نه هندی.

هئیده ثعالبی

این داستان را ثعالبی در شاهنامه معروف به ابو منصورى چنین بیان میکند: «در کتابی ۳۳ خوانده شد که دو برادر از شاهزادگان هندوستان پس از مرگ پدر برای بدست آوردن سلطنت به مخاصمت برخاستند چون يك از آنان در میدان کشته شد مادر به رنج عجیبی گرفتار آمد میخواست خود را در آتش افکند ولی مانع شدند مدام می گریست و پسری را که زنده مانده بود بقتل برادر متهم ساخته او را سرزنش میداد پسر که میخواست بیگناهی خود را اثبات و باو بفهماند که منظوری در قتل برادر نداشته و مرگ او فقط نتیجه يك از حوادث شومی است که در میدان جنگ روی میدهد خردمندان را امر داد که بوسیله ای زدو خورد میدان جنگ و نزاع دولشکرو مرگ یکی از سران طرفین را مجسم سازند آنان به ساختن شطرنج موفق و حالات حمله و نزاع و غلبه و کیفیت مرگ شاه را مجسم ساخته و در حضور مادر شاهزاده بازی کردند همینکه بکیفیت میدان جنگ واقف گردید و دانست که پسرش بچه تریب از میان رفته است از متهم ساختن پسر زنده اش خودداری کرد بزودی تسلیت یافت» ۳۴

تحقیقات سر ویلیام جونز ۳۵

طبق تحقیقات ویلیام جونز در سده هیجدهم بازی شطرنج از دوران بسیار قدیم بنام چترانگا ۳۶ بمعنای چهار عنصر یا بمفهوم چهاررکن ارتش معروف

۳۳ نام کتاب را نویسنده نگفته است

۳۴ - در شاهنامه امام ابو منصور عبدالملك بن محمد بن اسمعیل ثعالبی نیشابوری (۳۵۰

۴۲۹ هجری) قمری ترجمه آقای محمود هدایت، چاپ تهران ص ۳۰۱ و ص ۳۰۲

Sir William Jones - ۳۵

Chaturanga - ۳۶

بوده است چهاررکن ارتش طبق لغت نامه معروف سانسکریت «امرکوش»^{۳۷} تألیف سده چهارم میلادی عبارتست از فیلها، اسبها، اریکه‌ها و پیادگان و چترانگابه معنای ارکان ارتش بوسیله حماسه نگاران هند بکار برده شده است نوشته ویلیم جونز اصولاً ترجمه‌ای از بهویشیاپرانا^{۳۸} است که در آنجا شرحی درباره شطرنج آمده^{۳۹} و بگفته جونز شطرنج بنام چترانگ در سده ششم میلادی از هند بایران و در ایران چترنگ خوانده شده است و اعراب که حروف اول و آخر (چ و ک) آن را در الفبای خود نداشته‌اند آنرا به شطرنج بدل ساخته‌اند.

چند پیشینه کهن

در فصل‌های آینده خواهیم گفت که شطرنج از آغاز بصورت کنونی نبوده بلکه خانه‌های آن بیش و کم بوده و یک گونه آن نقشی است که در بشقاب‌های گلی پیدا شده و در سیلک‌کاشان دیده میشود: در میان ظرف‌های سفالین لرستان نیز که برنگ بخودی بوده و با خط‌های قهوه‌ای تیره خانه‌های شطرنجی دیده میشود اما معلوم نیست که این صفحه‌های شطرنجی تزیینی بوده است یا صفحه شطرنج باشد



شکل ۳- صفحه و مهره‌های شطرنج پیدا شده در ده‌هارا پای، پاکستان

۳۷- Amarkosh فرهنگ ریشه‌شناسی واژه‌های سانسکریت

۳۸- Bhauvshya Purana از تفهیرهای وداها

۳۹- نقل از فرهنگ‌نامه بیریتانیکا دفتر پنجم صفحه ۶۶۰ چاپ نوین

نقش جام حسنلو - در زیر جام هخامنشی که از خرابه‌های حسنلو پیدا شده نقشی از شطرنج دیده میشود: « در قسمت زیرین کاسه نقش مربع شطرنجی مانندی که از یکطرف، دارای ده خانه و طرف دیگر نه خانه است. ۴۰ شکل ۲۱ این جام که از زرناب در آذربایجان یافت شده به بلندی بیست سانتیمتر و دور آن شصت سانتیمتر و شعاع دایره سی سانتیمتر و وزن آن ۹۵۰ گرم است. شطرنج موهنجودارو اثر دیگری که پیش از تاریخ از شطرنج هست وجود يك صفحه شطرنجی با خانه‌های متعدد است که از صفحه گل زرد رنگی که پخته شده و شطرنجی است درست شده^{۴۱}.

مهره‌هایی از سنگ گچی در همان کاوشها یافته اند که شاید مربوط بآن صفحه باشد که اصل آنرا من در موزه تاریخی شهر کراچی دیدم که از کاوشهای موهنجودارو در دره مهران (سند) بلوچستان یافت شده است.

افسانه‌هایی درباره پیدایش شطرنج و آرایش آن

درباره پیدایش شطرنج بداستان ایرانی ماتیکن شطرنج و گفته شاهنامه‌ها و داستان هندی بانا و افسانه راوانای هندی اشاره شد اکنون داستانهای دیگری گفته و نوشته اند که بدانها نیز اشاره میشود.

نوشته اند رای برهمه صیصه یا سیساک در هند سازنده شطرنج بوده است، خلاصه آنکه در آغاز سده پنجم میلادی^{۴۲} در سرزمین هند پادشاهی جوان که بامهر و محبت و عطوفت بود فرمانروائی داشت برخی از ندیمان و اطرافیان شاه از نا آزمودگی شاه جوان استفاده کرده با چاپلوسی و نیرنگ بشاه نزدیک شده اغراض و آرمانهای پست خود را بکار بردند و شاه را بخوشگذرانی و

۴۰ - نقل از نوشته آقای اردشیر جهانیان درباره جام حسنلو در ماهنامه هوخ

۴۱ - موهنجودارو آثار شهری است که در کرانه شرقی رود مهران در بلوچستان که تمدنی

همانند تمدن زابل و سومر داشته است از سه هزار سال پیش از زاد روز مسیح

۴۲ - برخی نوشته اند سده ششم و برخی دیگر سده هفتم دانسته اند

تباهکاری و داشتند شاه از کشورداری و مردم داری بازماند و کار ملک رو بخرابی و نابسامانی نهاد گروهی از عاقلان قوم بچاره اندیشی پرداختند اما کسی را یارای نزدیکی بشاه نبود برهن دور اندیشی بنام صیصه یا سیساک بران شد اشتغال تازه ای برای شاه بیابد از اینرو بازی شطرنج را یافت تا مردم و شاه به تندرستی و دور اندیشی گرایند و بکار ملک و ملت برسند^{۴۳}

این بازی بزودی رایج شد و دیرزمانی نکشید که بکاخ شاهی راه یافت آنگاه شاه سازنده بازی را خواست تا دستور و راه بازی باو بیاموزد صیصه بخواسته خود دست یافته بود شاه را از بازی آگاه ساخت شاه خواست پاداشی باو بدهد او خواست که در خانه اول شطرنج دو دانه گندم بنهند و در خانه دوم دو برابر و همچنین تا شصت و چهار خانه ضعف خانه پیش بتضاعف گندم در اختیار او بنهند.

نخست این پاداش بدیده پادشاه و درباریان ناچیز آمد و دستور داده شد باو بپردازند ولی چون گندم خواسته شد دانستند که این اندازه گندم از خروارها فزونتر است با اندازه ای که باید محصول چند سال کشور بدو بدهند. شاه صیصه را خواست و چون دستور داده بود آن تعداد گندم باو بدهند باوی از در گفتگو در آمد آنگاه صیصه خواسته های مردم را بگوش شاه رسانید و بخواسته خویش دست یافت.

اکنون این محاسبه

اندازه گندمهای درخواستی برابر است با مجموع يك تصاعد هندسی که شمار، جمله های آن ۶۴ (به تعداد خانه های شطرنج) بوده و قدر نسبت آن نیز عدد ۲ است:

اکنون اگر شماره گندمها را S فرض کنیم.

۴۳ - این داستان را با تغییراتی ثعالی و دیگران نیز بیان داشته اند

گویند نام شطرنج را سیصه هندی از آنرو بر این بازی نهاد که این بازی همانند سپاه و لشکر است؛ زیرا مشابهت دیگری میان این نام با آنچه در سانسکریت به سپاه و لشکر میگویند وجود ندارد. و این عقیده از نظر علمی و زبان شناسی مردود است.

در نقایس الفنون

این داستان را محمد بن محمود آملی صاحب نقایس الفنون فی عرایس - العیون^{۴۴} چنین بیان میکند :

«واضع شطرنج صفة بن داسر است که یکی از حکمای هند بود و اظهار آن بلجلاج که از فرزندان او بود نموده و سبب اظهار او آن بود که ملکی از ملوک هند را که بمحاربه و جهانگیری و مبارزت و لشکر کشی مشغول بودی علتی پدید آمد که براسب نشستن او متعذر بوده و حکما وزیرکان را حاضر کردند و گفت میخوام که تدبیری اندیشید که بی آنکه براسب نشینم بحرب و کارزار مشغول شوم از این علت خلاصی یابم لجللاج خدمت کرد و گفت تدبیر کارپیش نیست برخاست و بخانه رفت و شطرنج بیاورد و پیش ملک آمد و کیفیت لعب برو عرضه کرد ملک را آنوضع بغایت پسندیده آمد و او را بنواخت و ازو باختن آن پیاموخت و پیوسته بدان مشغول میبود تا وفات یافت.»

سپس صاحب نقایس الفنون داستان آمدن شطرنج را بایران در زمان انوشیروان، بیان داشته است.

برخی واضع شطرنج را لجللاج نامی دانسته اند چنانکه در بالا صاحب نقایس الفنون آنرا رد میکند و لجللاج را بصر داسر میداند. سعدی گوید :

من سخن راست نوشتم تو اگر راست نخوانی

جرم لجللاج نباشد که تو شطرنج ندانی

خاقانی نیز از لجللاج نام برده:

هفت بیدق عاجز شاه قدر از چه شان لجللاج سان دانسته اند

در کتاب معلم الشطرنج^{۴۵} نیز لجللاج را در شمار مخترعان شطرنج آورده است.

۴۴ - در قسم دوم در علوم اوایل مقاله پنجم در علم شطرنج صفحه ۲۶۶، چاپ تهران
۴۵ - معلم الشطرنج لاله راجا بابا صاحب مآثر چاپ سال ۱۹۰۱ میلادی در دهلی صفحه ۳

دربهران قاطع آمده است. «که آنرا حکیم داهر هندی یاپسر اودر زمان انوشیروان اختراع کرده بود»

☆☆☆

برخی سازنده شطرنج را دانشمند ستاره شناس هندی یا ایرانی بنام شاتراش دانسته‌اند که اشاره شد و عقیده دارند نام شطرنج از نام او گرفته شده است.

☆☆☆

نویسنده شاهد صادق نیز مینویسد: «شطرنج را داهر حکیم وضع کرد...» دیگر نمی‌نویسد که او هندی بود یا غیر آن.

☆☆☆

داستانی از شاهوی در پیرامن آغاز شطرنج هست که از اختراعات کُود طلحند است^{۴۶}.

☆☆☆

پادشاهی به علتی از اسب سواری محروم گشت روزی به حکما و مشاوران خود گفت چاره‌ای بیاندیشند تا بتواند بی سواری اسب و کمک اسلحه و جنگ و ستیز در برابر صفوف دشمن نبرد آزمائی کند. حکیمی بنام لجلال بخانه رفت و بساط شطرنج را به همراه خویش آورد و طرز بازی کردن آنرا به پادشاه آموخت. پادشاه خرسند گشت و به حکیم انعاماتی داد و بقیه زندگانش را با شطرنج خوش بگذراند^{۴۷}.

☆☆☆

در کتاب السحر ولنیرنج فی النرد والشطرنج^{۴۸} آمده :

۴۶- کتاب معلم الشطرنج

۴۷- از رساله غنچه نشاط بزبان اردو مرتبه منشی بلاقی داس مالک میوردیریس دهلی

۴۸- بخط میرزا بدیع کاتب دوسال ۱۳۱۴ قمری در تهران نوشته شده نسخه خطی کتابخانه

مجلس شورای ملی صفحه ۳.

• در تاریخ ظهور و مخترع این دو صنعت شکر و اختلاف فراوان باشد از آنجمله بعضی نسبت اختراع را بمردم چین داده اند و تازیان توهم کرده اند که مخترع آن ابوبکر محمد بن یحیی الصولی معاصر خلفای عباسی است نویسنده این دو عقیده را درست ندانسته و گوید از هند است.

☆☆☆

گروهی واضع شطرنج را ابوبکر محمد بن یحیی بن عبدالله بن عباس بن محمد بن صول تکین از ملوک جرجان دانسته اند که بدست یزید بن مهلب بن ابی صفره اسلام آورد.

در تاریخ جرجان ضبط است که اصل صولی از جرجان و صول از مصافات آنست که آنرا جول نیز گویند. صول در زمان خلفای عباسی بود و نیکو شطرنج دانست.

ابن خلکان واضح شطرنج را صهصه بن داهر هندی دانسته اند صولی که برای شهرام یا بلهیت پادشاه هند اختراع کرد.

در نسخ التواریخ نیز هست که شطرنج را حکیمی سس نام اختراع کرد در هند.

شطرنج سه آرایش داشته که یکی حکمای هند نهادند و دیگری بزرگمهر نهاد و سوم حکمای روم که نطع و گسترش آنها بایکدیگر فرق دارد^{۴۹}.

میگویند مندودری ملکه را جاراوان فرمانروای سیلان هنگام محاصره آنکشور توسط مچندر جی جهت سرگرم نگهداشتن جاراوان بازی شطرنج را اختراع کرد^{۵۰}.

میگویند راجه چکراتی از وزیران هند خواست یک بازی اختراع نماید

که نشان دهنده میدان جنگ باشد سس پسر دائر شطرنج را اختراع کرد^{۵۱}.

برخی نام سازنده شطرنج را رابشلیم رای هند دانسته‌اند و این همان رای هند رابشلیم است که با بیدپای برهمن در انوار سهیلی گفتگو دارد.

نویسنده تقویم التواریخ اختراع شطرنج را در سنه ۱۲۲۹ پیش از هجرت دانسته است که در حدود ششصد و پنجاه پیش از زادروز مسیح میشود.

میگویند چهارده هزار دانشمند در ساختن شطرنج دست داشته‌اند^{۵۲}.

آیا شطرنج ساخته مردم رومانی است؟

یکی از شاعران رومانی بنام ویرجیلیوس در منظومه‌ای سازنده شطرنج را یکی از فرماندهان رومانی بنام پلامدس^{۵۳} دانسته که بهنگامی که میخواسته سپاهیان خود را در جنگهای مشهور تروا^{۵۴} یاری و دلداری دهد این بازی را برای دلداری و پایداری آنان درست کرد. باید گفت يك بازی همانند شطرنج در رومانی هست که با شطرنج اختلاف دارد این بازی را لدوس کالکوروم^{۵۵} خوانند.

آیا شطرنج ساخته یونان است؟

در يك مجموعه دستنویس خطی که در کتابخانه انستیتو خاورشناسی تاشکند دیدم پنج کتاب خطی در يك دفتر جلد شده که یکی از آنها کتابی است بنام کتاب الشطرنج از ابوالفتح احمد سنجرى^{۵۶} در این کتاب درباره

۵۲- همان کتاب معلم الشطرنج

۵۱- همان کتاب معلم الشطرنج

Ludus Calculourum. - ۵۵

Trois - ۵۴

Plamedes - ۵۳

۵۶- کتاب زیر شماره ۴۶۸ ثبت شده رساله‌ها بدین نام است :

رساله موسیقی از حافظ درویش علی چنگی خاقانی

رساله موسیقی در جواز استعمال اصوات خوب

رساله کرامیه (در علم موسیقی) دوره کرامی

کتاب شطرنج از ابوالفتح احمد سنجرى

سازنده شطرنج و علت تألیف کتاب نوشته است :

«هندیرا هرگز این هنر نبوده و این دانش نداشته‌اند و خواستم که معلوم گردد آنم که شطرنج که نهاد و کجا بوده و سبب دیگر آنکه شطرنج بهتر و نیکوتر»
«همه ادبهاست مجلس ملوک را چون نرد ورود و اشعار درین یعنی حکمای»
«بزرگ و مقدمان این صنعت اول هرمس حکیم که شطرنج را بنام او بنهاد»
«بسرزمین یونان و پس از او صهصه بن داهر حکیمی که شطرنج تمام را»
«مختصر گرداند...»

آیا شطرنج ساخته چین است ؟

برخی شطرنج را ساخته مردم چین دانسته‌اند و گویند آنرا برهمنان ساخته‌اند بلکه بودائیان ساخته‌اند که جنگ در دین آنان حرام است این بازی را ساخته‌اند که از جنگ جلوگیری کنند.....

اما در مآخذ چینی هست که آنان عقیده دارند که شطرنج را در حدود یکصد سال پیش از زاد روز مسیح مردم چین میدانسته‌اند و بنام چونکی^{۵۷} معروف بوده است یا بنام «چوک چوهانگ کی»^{۵۸} یعنی «بازی بی در هنر جنگ» و سازنده آن را یک چینی بنام هان سینگ^{۵۹} دانسته‌اند که بدستوریکی از شاهان بنام کائوتسو^{۶۰} بهنگام جنگهای شانسی^{۶۱} برای آگاهی و بیدار ساختن سپاهیان ساخته است.

باید گفت در چین و ژاپن دو گونه بازی هست که شباهتی بشطرنج دارد نام بازی ژاپنی «شوکی» است اما از نظر تمرکز فکری بازی شطرنج نمی رسد.

آیا شطرنج ساخته ایران است ؟

نویسنده‌ای عرب ضمن نقل روایات گوناگون درباره پیدایش و سازنده شطرنج مینویسد :

۵۷-Chunkki

۵۸- Chok Chehangki

۵۹- Hansing

۶۰- Kaotsu

۶۱- Schan-i در چین

«دلیل دیگر هست که شطرنج از ساخته ایرانیان می باشد زیرا این لغت از دوریشه شش و رنگ یعنی رنگهای ششگانه گرفته شده و اشاره به شش پایه یارکن (مهره) ترکیب دهنده این بازی است که شاه، وزیر، فیل، اسب، رخ و پیاده باشد»^{۶۲} این تغییر را المنجد نیز آورده است و در تعبیر شطرنج بی تناسب هم نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

یادداشت مجله

مقاله حاضر از سلسله
سخنرانی‌هایی است که در دومین
کنگره تاریخ و فرهنگ ایران
که در آبان‌ماه ۱۳۴۸ در تهران
برگزار گردید ایراد شده ، ما
از نظرا اهمیت موضوع و ارزش
وجودی آن با کسب موافقت
وزارت فرهنگ و هنر بچاپ
آن مبادرت می‌کنیم . بدین سبب
مجله بررسی‌های تاریخی از
جناب آقای دکتر صادق کیا
معاون محترم وزارت فرهنگ
و هنر صمیمانه سپاسگزار است .



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني